

یک سند محرمانه

تذکرای در مورد

سازماندهی یک شورش در کرونشتات

اطلاعات واصله از کرونشتات ما را متقاعد می سازد که شورش در بهار آینده به وقوع خواهد پیوست. با کمی پشتیبانی از خارج برای تدارک آن، می توان روی موفقیت این شورش حساب کرد، موقعیتی که شرایط مطلوب زیر به نفع آن عمل می کنند:

در حال حاضر، تمام کشتی های ناوگان بالتیک که هنوز از اهمیت نظامی برخوردارند، در لنگرگاه کرونشتات متمرکز شده اند. از این لحاظ، نیروی مسلط بر کرونشتات، ملوانان در حال خدمت در ناوگان ها و نیز ملوانان شاغل در خدمات ساحلی درون دژ کرونشتات هستند. تمام قدرت در دست گروه کوچکی از ملوانان کمونیست متمرکز شده (شورای نمایندگان محلی، پلیس امنیتی، دادگاه های انقلابی، کمیسری ها، کلکتیوهای کشتی ها و غیره). بقیه پادگان و کارگران کرونشتات نقش قابل توجهی ندارند. به علاوه، در میان ملوانان نشانه های بسیار و بی تردیدی از نارضایتی عمومی نسبت به نظام موجود قابل تشخیص است. اگر یک گروه کوچک با یک سری عملیات قاطع و سریع قدرت را در کرونشتات بدست آورد، ملوانان خیلی سریع متفقاً به صفوف شورشیان خواهند پیوست. در میان خود ملوانان چنین گروهی نقداً شکل گرفته که قادر و حاضر به انجام عملیات بسیار قاطعی است.

دولت شوروی از خصومت ملوانان نسبت به خود کاملاً آگاه است. در این رابطه است که دولت شوروی اقداماتی را اتخاذ کرده است که امکان فراهم بودن بیشتر از یک هفته آذوقه غذایی در کرونشتات وجود نداشته باشد. قبلاً انبارهای کرونشتات همواره یک ماه آذوقه را ذخیره می کردند. عدم اعتماد مقامات شوروی نسبت به ملوانان بقدری شدید است که برای نگهداری راه های کرونشتات، که در خلیج فنلاند حالا از یخ پوشیده شده است، از یک هنگ پیاده نظام ارتش سرخ استفاده می کند. در موقع شورش این هنگ نخواهد توانست در مقابل ملوانان مقاومت زیادی نماید، زیرا هم از نظر تعداد اندک است و هم اینکه در صورت تدارک صحیح شورش، توسط ملوانان غافل گیر خواهد شد.

به دست گرفتن کنترل ناوگان ها و تسلیحات کرونشتات خود ضامنی است برای برتری یافتن شورشیان به سایر دژهایی که خارج از جزیره کوتلین قرار دارند. زاویه توپخانه این قلعه ها طوری تنظیم شده که نمی توانند کرونشتات را هدف قرار دهند، در حالیکه کرونشتات می تواند سایر دژها را زیر آتش بگیرد (دژ ایروشف که در مه ۱۹۱۹ اقدام به شورش کرد، نیم ساعت بعد از آنکه بوسیله توپخانه های کرونشتات زیر آتش گرفته شد، از پای درآمد).

مقاومت نظامی علیه شورش بوسیله منابع موجود بلافاصله پس از شروع شورش، به توپخانه کراسنایاگورکا (دژی که در خشکی ساحل جنوبی فنلاند واقع است) کاهش خواهد یافت. اما توپخانه کراسنایاگورکا در مقابل توپخانه کشتی ها و کرونشتات کاملاً درمانده خواهد بود. در کشتی ها و در کرونشتات بیشتر از ۳۲ توپ ۱۲ اینچ و ۸ توپ ۱۰ اینچ وجود دارد (اسلحه های کالیبرهای پانین تر و اسلحه هانی که اطلاعات موثقی در موردشان نداریم، به حساب نیامده اند). در کراسنایاگورکا فقط ۸ توپ ۱۲ اینچ و ۴ توپ ۸ اینچ موجود است، مابقی تسلیحات کراسنایاگورکا بخاطر کالیبرهای پانین، در مقابل کرونشتات بی خطر هستند. باید اضافه کرد که تمام ذخیره مهمات توپخانه کرونشتات، کراسنایاگورکا، و پادگان بالتیک در انبار مهمات کرونشتات

نگه داری می شود و در صورت تغییر وضع بدست شورشیان خواهد افتاد. در نتیجه، بلشویک ها با توپخانه کراسنایاگورکا نمی توانند شورش در کرونشتات را سرکوب کنند، برعکس، باید گفت که در صورت وقوع جنگ بین توپخانه های کراسنایاگورکا و کرونشتات، پیروزی نصیب دومی خواهد شد (شورش مه ۱۹۱۹ کراسنایاگورکا با آتش کرونشتات بعد از ۴ ساعت سرکوب شد، در پایان تمام ساختمان های منطقه کراسنایاگورکا ویران شدند بلشویک ها خودشان آتش مستقیم علیه توپخانه های کراسنایاگورکا را بخاطر حفظ آن ممنوع کرده بودند).

با در نظر گرفتن مطالب بالا، روشن است که شرایط کاملاً برای پیروزی شورش کرونشتات مناسب است.

(۱) وجود گروهی که طرفدار یک سازماندهی فعال برای شورش هستند

(۲) احساس همدردی با شورش در میان ملوانان وجود دارد

(۳) منطقه فعالیت محدود است و این محدودیت را منطقه کوچکی که بوسیله خود کرونشتات محصور شده، ایجاد کرده است. بنابراین آغاز کردن عملیات در این محدوده پیروزی کل شورش را تضمین می کند.

(۴) امکان تدارک کاملاً مخفیانه شورش، بخاطر انزوای کرونشتات از روسیه و همگونی و انسجام در میان ملوانان.

در صورت پیروزی شورش، از آنجا که بلشویک ها در خارج کرونشتات کشتی های جنگی آماده به خدمتی در اختیار ندارند و امکان استفاده از توپخانه های مستقر در خشکی که قدرت سرکوب آتش توپخانه های کرونشتات را داشته باشد نیز وجود ندارد (بویژه بدلیل ناتوانی کراسنایاگورکا در مقابل کرونشتات)، امکان تسخیر کرونشتات نیست، چه با به زیر آتش گرفتن آن از طرف دریا و چه با به زیر آتش گرفتن آن با ارسال نیروی زمینی، بعلاوه باید توجه داشت که دژ و ناوگان

فعال کرونشتات مجهز به تعداد زیادی توپ های ضدنیروی زمینی هستند که بنظر نمی آیند که فرار از زیر تیربار آنها ممکن باشد، قبل از ارسال نیروی زمینی باید توپخانه های مذکور را از کار انداخت و بلشویک ها قادر به این کار نیستند زیرا که سلاح های سنگین کرونشتات و ناوگان فعال می توانند به توپخانه های ضدنیروی زمینی کمک کنند. بنا بر آنچه در بالا اشاره شد می توان گفت که پس از شورش، کرونشتات از لحاظ نظامی کاملاً مصون خواهد بود و هر مدتی که لازم باشد دوام خواهد آورد.

اما، بعد از شورش شرایط داخلی می تواند برای کرونشتات مصیبت وار شود. ذخیره غذایی فقط کفاف چند روز اول بعد از شورش را خواهد داد، اگر بلافاصله بعد از تسخیر قدرت آذوقه به کرونشتات نرسد، و اگر ذخایر لازم بعدی تأمین نشوند، این اجتناب ناپذیر است که گرسنگی کرونشتات را مجبور به تسلیم به بلشویک ها خواهد کرد. سازمان های روس های ضدبلشویک آنقدر نیرومند نیستند که بتوانند مشکل غذا را مستقلاً حل کنند و ناچار شده اند که در این مورد از دولت فرانسه کمک بخواهند.

برای اجتناب از تأخیر در ارسال آذوقه به کرونشتات بلافاصله بعد از شورش، لازم است که از مدت مشخصی قبل آماده باشد. باید محموله غذایی لازم سفارش داده شده در کشتی های باربری در بنادر دریای بالتیک آماده برای حرکت بطرف کرونشتات باشند.

بجز تسلیم کرونشتات به بلشویک ها بخاطر فقدان آذوقه، از روی احتیاط می بایست مسأله دیگری را نیز روشن کرد و آن تغییر روحیه خود شورشیان است، که نتیجه اش برقراری مجدد قدرت بلشویک ها در داخل کرونشتات خواهد بود. اگر ملوانان شورشی از همبستگی و پشتیبانی از ارتش روسیه تحت رهبری ژنرال ورانگل مطمئن نباشند، و یا اگر بعداً ملوانان احساس کنند که از تمام روسیه منزوی شده اند و یا تشخیص دهند که امکان توسعه بیشتر شورش تا سرحد

سرنگونی قدرت شوراهای در روسیه وجود ندارد، چنین تغییری در روحیه اجتناب ناپذیر خواهد بود.

از این لحاظ، مصلحت این است که کشتی های فرانسوی در کوتاهترین زمان ممکن بعد از اتمام شورش به کروئشئات برسند و با حضورشان کمک فرانسه را مسجل کنند. و صلاح حتی بیشتر در این خواهد بود که واحد های ارتش روسیه هم در کروئشئات حاضر شوند. وقتی این واحدها انتخاب می شوند، باید ارجحیت به ناوگان روسی دریای سیاه داده شود که حالا در بیژرت مستقر است، زیرا که رسیدن ملوانان دریای سیاه به کمک ملوانان ناوگان بالتیک شوروشوق غیرقابل قیاسی در آنان ایجاد خواهد کرد. مسأله دیگری که نباید فراموش کرد، اینست که بویژه در روزهای اول بعد از شورش نمی توان روی سازماندهی منظم قدرت در کروئشئات حساب کرد و از این لحاظ ورود ارتش و یا نیروی دریائی روسیه تحت رهبری ژنرال ورائنگل می تواند نتیجه ای بسیار سودمند داشته باشد، زیرا که تمام قدرت در کروئشئات بطور خودکار به افسران ارشد واحدهای فوق تفویض خواهد شد. و اگر هم بعداً اقدام به عملیاتی از طریق کروئشئات برای سرنگونی قدرت شوراهای در روسیه شود، از این لحاظ نیز انتقال نیروهای ارتش روسی ژنرال ورائنگل به کروئشئات لازم خواهد بود. در این رابطه، این تذکر بی مورد نخواهد بود که برای چنین عملیاتی ویا حتی برای تهدید به انجام آن، کروئشئات می تواند بعنوان پایگاه آسیب ناپذیری مورد استفاده قرار گیرد.

به علاوه نزدیکترین هدف عملیات از کروئشئات، پتروگراد بی دفاع خواهد بود، که تسخیرش به معنای پیمودن نیمی از راه برای پیروزی کامل علیه بلشویک هاست. حتی اگر فرصت برای مبارزه خارج از کروئشئات در خاک روسیه شوروی به دلانلی در دوره بعدی مناسب نباشد، به هر حال، تقویت نیروهای ضدبلشویک در کروئشئات در اتحاد با فرماندهی فرانسوی، برای بهبود وضع کلی نظامی سیاسی در اروپا در بهار آینده به هیچ وجه کم اهمیت نخواهد بود. لازم به یادآوری است که اگر

پیروزی اولیه شورش کرونشئات به علت عدم کفاف ذخیره غذایی ویا دلسردی ملوانان بالتیک و پادگان کرونشئات به شکست بیانجامد و آنها بدون هرگونه پشتیبانی معنوی و نظامی رها شوند، نه تنها اوضاع وخیم تر خواهد شد که قدرت شوروی نیز افزایش خواهد یافت و دشمنانش بی اعتبار خواهند شد.

در رابطه با مسأله فوق سازمان های روسی ضدبشویک براین اعتقادند که باید از شرکت مستقیم در شورش کرونشئات خودداری کنند، مگر آنکه از تصمیم دولت فرانسه مبنی بر تقلیل تعهدات زیر کاملاً مطمئن شده باشند.

(۱) پشتیبانی مالی در دوره تدارک شورش، که بخاطر مناسب بودن شرایط برای شورش، مقدار مورد نیاز بسیار بی اهمیت است. احتمالاً چیزی در حدود ۲۰۰،۰۰۰ فرانک.

(۲) کمک مالی به خود کرونشئات بعد از اینکه سرنگونی صورت گرفت.

(۳) اقدامات لازم جهت تدارک غذا برای کرونشئات و تضمین رساندن اولین محموله غذایی بلافاصله پس از اتمام واژگونی قدرت در کرونشئات.

(۴) اعلام توافقتشان در مورد ارسال کشتی های جنگی فرانسوی و هم چنین واحدهای زمینی و یا دریایی نیروی ارتش ژنرال ورائگل بعد از سرنگونی به کرونشئات.

در رابطه با مسائل فوق نباید فراموش کرد که حتی اگر فرماندهی فرانسوی و سازمان های ضدبشویک روسی در تدارک و رهبری شورش شرکت نکنند، شورش کرونشئات در بهار آینده به اتکاء صرف نیروی خودش و نه هیچ چیز دیگری صورت خواهد گرفت. و بعد از یک پیروزی موقتی محکوم به شکست خواهد بود. این شکست اعتبار حکومت شوروی را به شدت افزایش خواهد داد و دشمنانش را از یک

فرصت نادر، و باید گفت منحصر بفرد، برای تصرف کرونشتات و وارد آوردن مهلک ترین ضربه ای که می توان به بلشویک ها زد محروم خواهد کرد. اگر دولت فرانسه در اصل با پیشنهادات بالا موافق است، مصلحت در این خواهد بود که شخصی را مقرر دارد که بتواند با نمایندگان شورشی وارد مذاکره بر سر جزئیات کار شود. بدین ترتیب می توان جزئیات نقشه شورش و تلاش های بعدی و نیز اطلاعات دقیق در رابطه با منابع مالی مورد نیاز برای سازماندهی شورش و تأمین بعدی مالی آن را در اختیار او قرار داد.

از آرشیو وزارت خارجه فرانسه

مترجم: آزاده

بازنویس: اکبر سعیدی

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۳